

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال یازدهم، شماره چهل و سوم، پاییز ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۶

وحدت اسلامی در جنگ‌های صلیبی؛ موانع و راهبردها

معصومه آبانگاه از گمی^۱
احمد بادکوبه هزاوه^۲
مسعود صادقی^۳

چکیده

صلیبی‌ها در سده‌های میانه بخش‌هایی از قلمرو غربی جهان اسلام را تصرف و استقرارشان را تا سده ششم و هفتم تداوم بخشیدند. توجه به آموزه‌های دینی فارغ از تعدد قومی، سیاسی و مذهبی، می‌توانست نقش راهبردی در نحوه رویارویی مسلمانان با مهاجمان صلیبی داشته باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که آموزه وحدت اسلامی در سه دوره آغازین، میانی و پایانی جنگ‌های صلیبی چه تأثیری بر رویارویی مسلمانان با مسیحیان داشته است؟ دستاوردهای این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، نشان می‌دهد، کاربرست آموزه وحدت در جبهه اسلامی با موانعی چون فقدان انسجام سیاسی، تنوع قومی و تشّت مذهبی و فعالیت مستقل برخی گروه‌های شبه‌نظامی مانند اسماعیلیه روبرو بود. با این همه گاهی با بازخوانی برخی آموزه‌های مشترک دینی مانند خاتمیّت پیامبر ﷺ، جامعیت و برتری دین اسلام، وجوب جهاد با کفار و لزوم اطاعت از ولی امر، وحدت اسلامی تحقق یافته است. تغییر ساختار سیاسی به شکل همگرا با ائتلاف برخی دولت‌های منطقه توسط عمادالدین زنگی، انسجام ساختار عقیدتی به همّت نورالدین زنگی و تلفیق آنها از سوی صلاح‌الدین ایوبی، راهبردهایی بود که تکوین جبهه متحد اسلامی را میسر ساخت و الگویی برای سلاطین مملوکی شد.

کلیدواژه‌ها: جنگ‌های صلیبی، صلاح‌الدین ایوبی، عمادالدین زنگی، نورالدین زنگی، وحدت اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران. abangah@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). hazaveh@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. masoudsudeghi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۰۵

The Islamic Unity in the Crusades: Obstacles and Strategies

Masoumeh Abangah Azgomi¹

Ahmad Badkoube Hazaveh²

Masoud Sadeghi³

Abstract

In the middle ages, the Crusaders possessed some parts of the western territory of the Islamic world and continued their establishment until the 6th and 7th centuries. Considering religious teachings regardless of ethnic, political, and religious diversity could have played a strategic role in how Muslims faced the crusaders. The main question of the research is how Islamic unity doctrines in the three periods of the beginning, middle, and end of the crusades influenced the confrontation between Muslims and Christians? Using a descriptive-analytical method, the results of the research indicate that the application of the doctrines of unity on the Islamic side faced some obstacles such as the lack of political cohesion, ethnic diversity, religious fragmentation, and the independent activity of some paramilitary groups like The Isma'ili. Despite all that, sometimes by rereading some common religious doctrines such as the finality of the Prophet (PBUH), the comprehensiveness and superiority of the Islamic religion, the necessity of jihad against the infidels and obeying the ruler, Islamic unity has been accomplished. Changing the political structure in a convergent form with the coalition of some governments in the region by 'Imād al-Din Zangī, the integration of the ideological structure by Nūr al-Dīn Zangī and their integration by Salah al-Din Ayyūbi were the strategies that facilitated the formation of the Islamic United Front and became a model for the Mamlūk sultans.

Keywords: Crusades, Salah al-Din Ayyūbi, 'Imād al-Din Zangī, Nūr al-Dīn Zangī, Islamic unity.

1. PhD student of Islamic nations history and civilization, University of Tehran, Tehran, Iran. abangah@ut.ac.ir

2. Associate professor, Department of Islamic nations history and civilization, University of Tehran, Tehran, Iran. hazaveh@ut.ac.ir (Corresponding author).

3. Assistant professor, Islamic nations history and civilization, University of Tehran, Tehran, Iran. masoudsudeghi@ut.ac.ir

درآمد

حملات مسیحیان اروپا در سال ۱۰۹۵/۴۸۸م به فتوای پاپ اوربانوس دوم به مرزهای غربی جهان اسلام که از آن با عنوان «جنگ‌های صلیبی» یاد می‌شود، دو سده از تاریخ اسلام و مسیحیت را در قرون ۵ - ۱۱/۷ - ۱۳م به خود اختصاص داده است (عودی، ۲۵-۳۲). درباره چرایی و چگونگی آغاز و اتمام این جنگ‌ها و اهداف مؤثر در اندیشه گردانندگان آن، سخن فراوان است (ناصری، علل و آثار، ۹۷-۱۴۳). مسلمانان متأثر از آموزه‌های دینی، در موضع دفاع برآمده و تا اخراج کامل صلیبیان تلاش کردند. منظور از آموزه‌های دینی، تعالیم رسمی اسلام است که ریشه وحیانی داشته و به کتاب یا سنت باز می‌گردد (پاتای، ۱۰۷-۱۱۵). یکی از آن آموزه‌های دینی، «وحدت اسلامی» است که در قرآن (حجرات/۱۰؛ انبیاء/۹۲) و سیره پیامبر ﷺ (حاکم نیشابوری، ۳۸۶/۱؛ کلینی، ۴۰۳/۱-۴۰۵)، به عنوان یک قاعده آمره و ابزاری کارآمد در تحقق آرمان تشکیل امت واحد اسلامی شناخته می‌شود (زنجانی، ۷۴۲). وجود اصطلاحاتی نظیر امت اسلامی (ابن عطیه، ۱۲۶/۱، ۱۷۴، ۱۷۹، ۶۶۱)، امت واحد (فراهیدی، ۴۲۷/۸) و وحدت اسلامی (ابو زهره، ۲۲۵-۳۱۵) بر اهمیت این آموزه دلالت می‌کند.

بررسی تأثیر آموزه وحدت بر نحوه رویارویی مسلمانان با صلیبی‌ها در جنگ‌های صلیبی، مسئله جستار حاضر است که ضمن اشاره به آموزه‌های مقوم وحدت، موانع تحقق آن در دوره‌های مزبور و راهبردهای مؤثر در دستیابی به این مهم مورد تتبع قرار گرفته است. با توجه به میزان کامیابی مسلمانان در تشکیل جبهه متحد اسلامی در برابر صلیبی‌ها، بازه زمانی مورد مطالعه به سه دوره تقسیم شده است؛ دوره نخست، از آغاز جنگ‌های صلیبی ۱۰۹۵/۴۸۸م تا تشکیل دولت زنگیان در سال ۱۱۲۷/۵۲۱م، دوره میانی بین سال‌های ۱۱۲۷/۵۲۱م تا وفات صلاح الدین ایوبی در ۱۱۹۳/۵۸۹م و دوره پایانی بین سال‌های ۱۱۹۳/۵۸۹م تا پایان جنگ‌ها به سال ۱۲۹۱/۶۹۰م است. فرض نگارندگان این است که در دوره نخست، نفوذ کم‌رنگ آموزه وحدت اسلامی موجب پیشروی صلیبیان به داخل بلاد اسلامی شد. در دوره میانی، برخی حاکمان مسلمان با تکیه بر مفهوم وحدت و آموزه‌های مقوم آن توفیقاتی در جبهه متحد اسلامی ایجاد کردند و در

دوره سوم، گاه اهمیت وحدت نادیده گرفته شده، ولی سرانجام با راهبردهایی به پیروزی مسلمانان و اخراج صلیبی‌ها انجامید.

جستار حاضر بر آن است، با روش توصیفی و تحلیلی و با تمرکز بر زوایایی از جنگ‌های صلیبی در جغرافیای آناتولی، شام، جزیره و مصر، نقش راهبردی آموزه وحدت اسلامی و ضرورت پابندی مسلمانان به این الگوی کارکردی را نشان دهد.

پیشینه پژوهش

درباره تأثیر دین در جنگ‌های صلیبی پژوهش‌هایی از منظر مسیحیان که آغازگر جنگ‌های صلیبی بودند، انجام شده‌است. دو مجموعه پژوهشی، محصول فعالیت برخی پژوهشگران ایرانی به سرپرستی عبدالله ناصری طاهری در حوزه جنگ‌های صلیبی، اهمیت بسیاری دارد. پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی (۱۳۹۲ش) در ۷ مجلد، به ترجمه برخی آثار محققان معاصر اختصاص دارد و دیگری تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی (۱۳۹۴ش)، مجموعه ۱۲ جلدی که ضمن پرداختن به تاریخ‌نگاری اسلامی و غربی جنگ‌های صلیبی به ترجمه تعدادی از منابع مسیحی معاصر جنگ‌های صلیبی نیز پرداخته است. در جلد نخست این مجموعه، فصلی به تاریخ‌نگاری اسلامی جنگ‌های صلیبی اختصاص دارد که در آن به مباحثی چون جهاد مذهبی و نقش خلفای عباسی در جنگ‌های مزبور توجه شده‌است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تاریخ‌نگاری جنگ‌های صلیبی با تکیه بر منابع اسلامی (قرن ۶-۱۱/۹-۱۴م)» توسط لیلا اشرفی و راهنمایی عبدالله ناصری طاهری (۱۳۸۹ش) و مقاله مستخرج از این اثر با عنوان «نگرش مذهبی مورخان مسلمان به جنگ‌های صلیبی» (۱۳۹۰ش) نیز اطلاعات مهمی در حوزه برخی واژگان مذهبی مورد بررسی پژوهش حاضر مانند کفار، بیت المقدس، جهاد و خلافت در برخی متون تاریخی دارد. در آن پژوهش بینش انتقادی، مذهبی، سیاسی و مشیت‌گرایانه مورخان دوره جنگ‌های صلیبی، محور بوده و با مسئله پژوهش حاضر که بررسی مفاهیم مرتبط با آموزه وحدت اسلامی در بطن جامعه است، تفاوت اساسی دارد. اثری از جوزیف نسیم یوسف (۱۹۸۱م)، استاد تاریخ دانشگاه اسکندریه با عنوان *الوحده*

و حرکات الیقضه العربیه ابان العدوان الصلیبیه، در عین اختلاف محتوا، قرابت بیشتری با پژوهش حاضر دارد. اثر مزبور که بر بعد عربیت جامعه اسلامی در قرون میانه و اتحاد عربی در برابر ترکان عثمانی و استعمار تأکید داشته، از بازه زمانی جنگ‌های صلیبی تا سده نهم به عنوان مقدمه‌ای مفصل برای ورود به بحث بیداری کشورهای عربی در سده‌های ۱۹ و ۲۰م بهره برده و با تمرکز بر قیاس فرهنگی و تمدنی دو ملت عربی و لاتینی، درصدد احیای هویت عربی در برابر استعمار غرب است، حال آنکه جستار حاضر درصدد واکاوی درون متنی، با هدف برجسته کردن ابعاد انشقاق در جامعه اسلامی درگیر جنگ‌های صلیبی و تبیین راهبردهای اتخاذ شده در تکوین وحدت اسلامی است. اثر الحروب الصلیبیه علی علاقات السنیه الشیعیه پژوهشی از محمد الشنقیطی (۲۰۱۶م) نیز که به مقایسه روابط امامیه و اسماعیلیه با دولت‌های سنّی مصر و شام و واکنش آنها به جنگ‌های صلیبی پرداخته، به برخی مباحث پژوهش حاضر نزدیک است. مقاله «دین و دولت در دولت‌های زنگی و ایوبی» به قلم حسن انصاری قمی (۱۳۸۵ش) هم که به تأثیر خلافت در مشروعیت بخشیدن به حکومت نورالدین و صلاح الدین پرداخته، با آموزه نقش ولی امر در ایجاد وحدت اسلامی این پژوهش، قرابت موضوعی دارد.

تبیین آموزه وحدت

وحدت که در منابع اسلامی به معنای یگانگی و انفراد (فراهیدی، ۲۸۰/۳-۲۸۱) و در فرهنگ‌های جدید در معنای اشتراک گروهی در یک مرام و مقصد آمده (بستانی، ۹۷۸)، در حوزه اجتماعی به معنای یکی شدن به گونه‌ای است که افراد در عین کثرت بر اساس مشترکاتشان متحد شوند (نک. وطن دوست، ۱۳-۱۴). وحدت به دو صورت «مطلق» به معنای اتفاق نظر در همه عقاید و «عارضی»، ناشی از جبر عوامل خارجی، متصور است. در مواقعی که جوامع اسلامی در خطر بوده و عوامل نابودکننده، کیان جامعه اسلامی را تهدید کند، مصلحت ایجاب می‌کند تا تضادها نادیده انگاشته شود و نوعی هماهنگی از وحدت عارضی برقرار شود (زنجانی، ۷۴۳/۲-۷۴۴). مقصود از وحدت امت اسلامی، از میان رفتن فرق مختلف نیست، بلکه غرض آن است که همه مسلمانان با حفظ ممیزات خود، حول

مشترکاتشان به وفاق برسند و در جهت مقابله با دشمن متجاوز حرکت کنند (مطهری، ۲۶۷۲۵-۲۹). بر این اساس تفرقه در مقابل وحدت، واژه‌ای مذموم (آل عمران/۱۰۳) و یادآور نابودی هر نوع انسجام در امت اسلامی است (ابن درید، ۷۸۵/۲). در تعالیم قرآنی، تفرقه افکنی بارزترین اهرم سلطه مستکبران و تفرقه مؤمنان مقدمه ذلت پذیری آنهاست (انفال/۴۶، قصص/۴)، لذا حفظ وحدت به منظور حفظ موجودیت مسلمانی به حکم شرع و اقتضای عقل، ضرورتی اجتناب ناپذیر است (زمخشری، ۳۹۲/۳).

عوامل وحدت ستیز در جنگ‌های صلیبی

الف) فقدان انسجام سیاسی

تقارن جنگ‌های صلیبی با ظهور دولت‌هایی چون سلاجقه شام و روم، اتابکان بوری،^۱ ارتُقیه،^۲ ایلغازیه،^۳ بنی‌عمار،^۴ بنی‌منقذ،^۵ آل‌زنکی، فاطمیان، ایوبیان و ممالیک در جغرافیای درگیر جنگ، موجب تنوع هویت سیاسی امت اسلام و شکل‌گیری مهمترین عامل وحدت ستیز در آن برهه شد. عدم تشکیل خلافت واحد و شکل‌گیری دو خلافت عباسی و فاطمی به طور هم‌زمان، بر آن عامل وحدت ستیز افزوده بود.

۱- نیمه آغازین جنگ‌های صلیبی (۴۸۸-۵۲۱)

تقسیم جهان اسلام میان خلافت‌های عباسی و فاطمی، به‌علاوه جغرافیای پراکنده شام و جزیره، امکان ایجاد یک قدرت فائقه را از شام و جزیره سلب و آن را جولانگاه

۱. سلسله‌ای ترک تبار و سنی مذهب منسوب به طغتنگین، اتابک دقاق بن تتش که با مرگ دقاق به سال ۴۹۷ بر حکومت سلجوقیان شام مسلط شد و تا سال ۵۴۹ در دمشق قدرت داشت (حتی، ۲۰۶/۲-۲۰۹).

۲. خاندانی از غُزها منتسب به ارتُق بن اُکسب (ابن خلکان، ۱۹۱/۱) که به مدت طولانی از سال ۴۹۵ تا ۸۱۱ در جزیره و حلب حکومت کردند (باسورث، ۳۷۶-۳۸۰).

۳. شعبه‌ای از ارتقیان در ماردین، منسوب به نام مؤسس آن، الیغازی بن ارتق که از ۵۰۵ تا ۸۱۱ حکومت کردند (ابن شداد، العلاقات، ۶۳۴/۳-۶۳۵؛ باسورث، ۳۷۶-۳۸۰).

۴. سلسله‌ای شیعی از کتامة که از ۴۶۲ تا ۵۰۲ در طرابلس شام حکومت کرده و توسط صلیبی‌ها منقرض شدند (ابن قلانسی، ۱۶۲/۲-۱۶۲، ۲۷۰-۲۷۱).

۵. خاندانی عرب و شیعی که از ۴۷۴ تا ۵۵۲ در شیزر حکومت کرده و در اثر وقوع زلزله از میان رفتند (اسامه، ۱۱-۱۴).



رقابت امرای مسلمان کرده بود (عبده قاسم، مبانی فکری، ۲۷۱). گزارشی از رویارویی مسلمانان با صلیبی‌ها در ۱۰ سال نخست، آشفتگی منطقه را به خوبی نشان می‌دهد (عظیمی، ۳۵۷-۳۶۸). تفرقه حاصل از تجزیه امپراتوری سلجوقی، منجر به از دست رفتن زود هنگام نیقیه شد (ابن قلانسی، ۲۱۹/۲)، همچنانکه امیر یاغی سیان^۱ را در دفاع از انطاکیه ناتوان ساخت (ابن اثیر، ۲۷۴/۱۰-۲۷۵).

عدم درک صحیح از ماهیت جنگ‌های صلیبی و زیاده‌خواهی حاکمان اسلامی موجب شد تا برخی حکام مسلمان با صلیبی‌ها متحد شده و یا سیاست باج‌دهی اتخاذ کنند. فاطمیان در رقابت با سلجوقیان از اقدام به موقع در برابر پیشروی صلیبی‌ها خودداری کرده که نه تنها منجر به سقوط برخی شهرهای تحت سلطه سلجوقیان نظیر انطاکیه شد (ابن اثیر، ۲۷۵/۱۰)، بلکه بیت المقدس را هم از دستشان خارج کرد (ابن خلدون، ۲۹۰/۴). حاکم شیزر، با صلیبی‌ها پیمان بست که ضمن آزاد گذاشتن تردد آنها، قوتشان را نیز تأمین کند (ابن اثیر، ۲۷۹/۱). ایلغازی، امیر ماردین، از یک طرف با طغتنگین (حک. ۴۹۷-۵۲۲)، اتابک دمشق و از سویی با راجر، امیر صلیبی انطاکیه متحد شد (ابن اثیر، ۵۱۰/۱۰).

از آنجا که منافع حکمرانان مسلمان، بر جنگ‌های صلیبی ارجحیت داشت، امکان همکاری مشترک از آنها سلب می‌شد، لذا مساعی برخی حاکمان مسلمان نظیر دقاق بن تتش (حک. ۴۸۸-۴۹۷)، حاکم دمشق و پس از او طغتنگین که به تنهایی مقابل صلیبی‌ها قرار می‌گرفتند، اگرچه مانع توسعه قلمروی صلیبیان در جنوب شد، لکن بدون همراهی دولت‌های مسلمان کاری از پیش نبرد (ابن قلانسی، ۱۶۶/۲-۱۶۷، ۲۲۹-۲۳۳). فاطمیان نیز قربانی متحد نبودن با سایر مسلمانان شدند (عبده قاسم، مبانی فکری، ۲۷۳) و نتوانستند بیت المقدس را از محاصره برهانند (ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة*، ۱۴۷/۵). پس از تصرف بیت المقدس در ۴۹۲ (علیمی، ۴۴۷/۱)، شامیان مویه‌کنان به بغداد رفته و برای جان و مال و حریم خود استمداد جستند، ولی اختلاف میان خلیفه مستظهر

۱. امیر ترک انطاکیه در سال‌های ۴۷۹ تا ۴۹۰ که با سقوط طرابلس کشته شد (ابن اثیر، ۱۵۰/۱۰-۱۵۱).

بالله (حک. ۴۸۸-۵۱۲) و سلطان محمد سلجوقی (حک. ۴۹۸-۵۱۱) مانع از اقدام مؤثر آنها شد (ابن حریری، ۷۲-۷۳). همین پریشانی کافی بود تا تصرف محتاطانه آغازین صلیبی‌ها به تسلط متصل تبدیل شود، چرا که آنها دریافتند هیچ مقاومت جدی پیش رویشان وجود ندارد. حال آنکه نسبت صلیبی‌های مهاجم در مقایسه با مسلمانان، تقریباً یک به پنج بود. وقتی از چارچوب جغرافیای سیاسی خاور نزدیک به این آمار بنگریم، اهمیت آن بیشتر درک می‌شود، چرا که مهاجمان صلیبی می‌بایست با میلیون‌ها مسلمان، از نیل تا بین‌النهرین درگیر شوند، اما از خوش‌شانسی آنها مسلمانان در بسیج نیروهای خود ناتوان بودند (پراور، ۷۸).

نقش وحدت ستیز صلیبیان در ایجاد شکاف در جبهه اسلامی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. آنها با نزدیک شدن به برخی از امیران مسلمان یا وزیرانشان و دادن وعده همکاری، یکپارچگی جامعه اسلامی را تهدید و دشمن خود را تضعیف می‌کردند. تلاش برای جلب نظر معین‌الدین اُتر، امیر بوری دمشق، با این وعده که او را برای حفظ دمشق و تثبیت قدرتش در برابر نورالدین زنگی یاری می‌کنند، نمونه بارز آن است (ابن قلانسی، ۴۵۰/۲-۴۵۱).

۲- نیمه پایانی جنگ‌های صلیبی (۵۸۹-۶۹۰)

فقدان وحدت بین دولت‌های مسلمان با مساعی عمادالدین زنگی (حک. ۵۲۱-۵۴۱)، فرزندش نورالدین محمود (حک. ۵۴۱-۵۶۹) و صلاح‌الدین ایوبی (حک. ۵۶۷-۵۸۹) تا حد زیادی مرتفع شد که به بازپس‌گیری بخشی از سرزمین‌های اسلامی مانند رها و بیت المقدس انجامید. اما با مرگ صلاح‌الدین در سال ۵۸۹ و تفرقه میان جانشینانش (ابن‌اصل، ۸۰/۳-۱۰۴، ۱۵/۴-۲۲)، وحدت اسلامی درهم شکست. با هجوم خوارزمشاهیان و تلاش صلیبی‌ها برای تفرقه‌افکنی میان امرای ایوبی، آنها ترجیح دادند تا جنگ با صلیبی‌ها را تعطیل کنند. عزیز عثمان (حک. ۵۹۲-۵۹۵)، سلطان ایوبی مصر، در سال ۵۹۴ در رقابت با افضل نورالدین (حک. ۵۸۲-۵۹۲)، حاکم دمشق، بیروت را به صلیبی‌ها واگذار و صیدا را هم با آنها تقسیم کرد (ابوشامه، *الروضتین*، ۴/۴۴۳). ملک‌کامل (حک.

۶۱۵-۶۳۵) در سال ۶۲۶ بیت‌المقدس را به آلمان واگذار کرد (ابن واصل، ۲۴۱/۴-۲۵۱). رقابت ملک کامل و کعباد سلجوقی (حک. ۶۱۶-۶۳۴) در سال‌های ۶۳۱ تا ۶۳۳ نیز شمال جزیره را نبردگاه مسلمانان ساخت (ابن واصل، ۸۱-۸۰/۵، ۹۸-۹۹).

ب) تنوع هویت قومی و نژادی

جغرافیای درگیر جنگ‌های صلیبی ساختار غیریکپارچه‌ای داشت که هویت‌های مستقل از شهری و روستایی تا کوچ‌نشینان را از اقوام مختلف در خود جای داده بود (کردعلی، ۳۳-۳۰/۱). عرب و ترک متنفذترین آنها بودند (حتی، ۲۰۴/۲-۲۰۶). نفوذ کردها (ابن شداد، الاعلاق، ۲۱۷/۳)، ترکمانان و فارس‌ها هم در برخی شهرهای آناتولی، شام و جزیره (همان، ۲۱۳/۳) بر تنوع منطقه می‌افزود. بر اینها باید احباش، بربر و اقباط مصر را هم افزود (مقریزی، المواعظ، ۲۵۳/۱، ۸۰/۲، ۲/۴، ۱۴). هریک از این اجتماعات آنگاه که در خدمت یکی از حکام قرار می‌گرفت، می‌توانست یکپارچگی منطقه را تهدید کند (فروخ، ۱۴۶/۳-۱۴۷). اختلاف نژادی، احساس همبستگی قومی در منطقه را نیز با مشکل روبرو می‌ساخت، همچنان که ترکان آناتولی مانند دانشمندیه^۱ بدون احساس همبستگی با ترکان سوریه، عقب‌نشینی و راه را برای عبور صلیبیان هموار کردند (ابن بی‌بی، ۸۴).

ج) فقدان انسجام دینی و مذهبی در منطقه

تنوع دینی و مذهبی قلمرو درگیر جنگ نیز تکوین جبهه متحد اسلامی را مختل می‌ساخت. فرق مذهبی و ادیان گوناگون شام و جزیره گاه با مرزبندی میان خود و دیگری، هویت‌های جمعی متعدّد و یا متخاصمی پدید می‌آوردند. تأثیر تنوع مذهبی و درون دینی در قلمرو فاطمیان مؤید آن است (ابن حماد، ۹۸-۱۰۰). دستیابی مسیحیان به مناصب دولتی موجب نارضایتی مردم شده بود (ابن حماد، ۱۰۴-۱۱۳) که در سروده برخی شاعران مشاهده می‌شود (مقریزی، المواعظ، ۲۸۶/۲). بی‌توجهی نورالدین به

۱. سلسله‌ای در آسیای صغیر، منسوب به گمشنگین بن دانشمند که دارای دو شعبه سیواس (حک. ۵۶۴-۵۷۰) و ملطیه (حک. ۵۳۷-۵۷۳) بود (بارتولد، ۲۶۹/۱-۲۷۱).

پیشنهاد اتحاد طلاّع بن رُزَیک (متوفای ۵۵۶)، وزیر شیعی مذهب فاطمیان (ابن رزیک، ۶۴) و اتّخاذ موضع منفعلانه علمای این مناطق به دلیل پرداختن به منازعات فرقه‌ای، تأثیر بازدارنده این تنوّع هویتی را دوچندان کرده بود (کاهن، ۱۳۱-۱۳۲).

د) وجود گروه‌های شبه‌نظامی مستقل

وجود برخی نیروهای شبه‌نظامی هم بر تشّتت منطقه افزوده بود. نزاریّه شام که از سوی سایر هویت‌های مذهبی طرد می‌شدند، به عنوان نیروهای مسلّح، گاه با صلیبی‌ها و گاه با حاکمان مسلمان، متحد می‌شدند (ناصری، نقش اسماعیلیان، ۱۷۵). رضوان بن تتش، در قتل جناح الدوله، حاکم حمص از آنها استفاده کرد که موجب خشم عمومی شد (ابن قلانسی، ۲۳۰/۲). اقدام نزاریّه در قتل امرای ضد صلیبی چون مودود (ابن خلدون، ۸۲/۴) و افضل بدرالجمالی (ابن اثیر، ۵۸۹/۱۰) از جمله اقدامات وحدت ستیز آنها بود. در دوره میانی هم که اغلب حکّام با نورالدین و صلاح‌الدین متحد شدند، نزاریان، حد فاصل میان دولت‌های صلیبی و مسلمانان را معبر خطر کرده و با صلیبیان همکاری می‌کردند (ابوشامه، الروضتین، ۵۸/۳). نزاریان دو بار نیز در صدد قتل صلاح‌الدین برآمده که ناکام ماندند (همان، ۲۶۶/۲-۲۷۲).

مفاهیم دینی مقوم آموزه وحدت

علاوه بر ایمان به خدای یگانه، ملائکه و انبیای الهی، مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارد که تأسی به آنها می‌توانست جبهه متحد اسلامی را تقویت سازد.

الف) خاتمیّت پیامبر ﷺ و برتری دین اسلام

هجوم صلیبی‌ها که اسلام و پیامبرش را بدعت معرفی می‌کردند (صوری، ۱۴۱-۱۴۳، ۳۱۴)، ادبیات رسمی دینی را برای دفاع از هویت مسلمانان فرا خواند که بازخوانی آموزه دینی خاتمیّت پیامبر ﷺ نمونه آن است. شاید از این روست که غزالی رساله‌ای مشهور به «المضنون به علی غیر اهله» تدوین کرد (غزالی، احیاء العلوم، ۲۶/۱) و در آن



حدیث لبنه^۱ پیامبر ﷺ را تکمیل‌کننده بنایی خواند که سلسله انبیاء بنا کرده بودند (غزالی، مجموعه رسائل، ۳۶۶-۳۶۷). در سایه عقیده خاتمیت، آموزه جامعیت و برتری دین اسلام نیز راه هدایت را تنها از طریق دین خاتم میسر می‌داند (ابوالفتوح رازی، ۹۸/۲). ابن اثیر (۶۱/۲، ۳۰۵-۳۰۶) در مجالس نورالدین، احادیثی در خاتمیت پیامبر ﷺ می‌خواند. ابن شداد (النوادر، ۲۵-۲۶) نیز کوشید تا برتری دین اسلام را در برابر آیین صلیبیان یادآور شود. تلاش‌های او به‌عنوان مشاور و قاضی سپاه صلاح‌الدین، تأثیر زیادی بر اهل سیف و قلم داشت (ابن خلکان، ۸۴/۷-۱۰۰).

شعرا نیز با لفظ و معنا به نبرد صلیبیان شتافته و هم‌کیشانان را به اتحاد اسلامی فرا می‌خواندند. بوصیری (متوفای ۶۹۴)، در قصیده «برده» به اقتدا کردن سایر انبیاء در نماز به پیامبر ﷺ اشاره کرده و او را افضل انبیاء خوانده است (بوصیری، ۱۹۴-۱۹۷، ۲۳۴). آنگاه او توصیه می‌کند ادعاهای مسیحیان را وانهد چرا که پیامبر اسلام از همه بالاتر است و توصیه او به مجادله فکری با صلیبیان تبدیل شده و مسلمانان را به حفظ هویت دینی و استواری بر جهاد دعوت می‌کند. با توجه به رواج برده در میان مردم تأثیر سخن او مضاعف می‌شد (رشید، ۵۹-۶۰).

ب) وجوب جهاد با کفار و دفاع از دارالاسلام

بازخوانی آموزه‌های مزبور، اعتقاد به باطل بودن برخی آرای صلیبیان و تکفیرشان را به دنبال داشت. استدلال برخی علما بر خروج مسیحیان از دایره رحمت الهی به سبب رد کردن دعوت پیامبر ﷺ این نگرش را تقویت می‌کرد که فراوانی استعمال واژه کفار به جای فرنگیان، مؤید آن است (ابن عدیم، زبده الحلب، ۴۴۰/۲، ۶۷۶). تکفیر صلیبیان، مسلمانان را به دو پشتوانه فکری مجهز می‌کرد و آن روبرو شدن با دشمنی بود که هویت ارضی و دینی آنها را تهدید می‌کرد. بنابراین آموزه دارالاسلام مورد توجه قرار گرفت که از مشترکات اعتقادی همه مسلمانان بود و دفاع از آن واجب تلقی

۱. «مَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى دَارًا فَأَتَمَّهَا وَ أَكْمَلَهَا إِلَّا مَوْضِعَ لَبْنَةٍ فَجَعَلَ النَّاسَ يَدْخُلُونَهَا وَ يَتَعَجَّبُونَ مِنْهَا وَ يَقُولُونَ: لَوْلَا مَوْضِعُ الْبِنَةِ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَإِنَّا مَوْضِعُ الْبِنَةِ جِئْتُ فَخَتَمْتُ الْأَنْبِيَاءَ» (نک. بخاری، ۲۲/۶)

می‌شد (طوسی، *النهایه*، ۲۸۹-۲۹۳؛ جصاص، ۱۵۷/۳، ۲۲۷). صلیبی‌ها اهل کتابی بودند که مرتکب محاربه شده و به دیار مسلمانان هجوم آورده بودند (Abel, 2/126). فتوای منسوب به غزالی (*تحفه الملوک*، ۲۰۹) در وجوب جهاد با کافران صلیبی، بر این مفهوم وحدت‌ساز تأکید دارد. فتوای ابن زهره (متوفای ۵۸۵؛ ۱۹۹/۱-۲۰۰)، نقیب هاشمیان حلب (ابن عدیم، *بغیه الطلب*، ۲۹۴۶/۶) که هر عذری را برای امتناع از جهاد با مهاجم به دارالاسلام مردود دانسته نیز نقش وحدت‌ساز این آموزه را تأیید می‌کند.

ج) اطاعت از اولی‌الأمر

در طرح همگرایی اسلامی، اصل پذیرش محوریت فردی مناسب، مصداق واژه قرآنی «اولی‌الأمر» (نساء/۵۹)، راهبردی مهم بوده‌است (نک. خمینی، ۳۶-۳۷؛ رشید رضا، ۸۶-۸۹). صرف نظر از اختلاف مصادیق اولی‌الأمر در تسنن (ابن جوزی، *زاد المسیر*، ۴۲۴/۱) و تشیع (ابن بابویه، ۱۲۳/۱)، در نظر غالب مسلمانان، این مفهوم در خلیفه و سلطان مورد تأییدش با وظیفه اصلی حراست از دین نمود یافته‌است (ماتریدی، ۲۲۸/۳-۲۳۰).

در شیعه آنگاه که حریم اسلام در خطر قرار گیرد، فرمانبرداری از حاکم مجاهد برای اتحاد همه مسلمانان ضروری است (طوسی، *التبیین*، ۳۲۴/۵). اینکه اهالی شیعی حلب، آنگاه که در سال ۵۰۴ امپراتور بیزانس، خلیفه عباسی، مستظهر بالله را برای قیام علیه صلیبیان به اتحاد فراخواند، خلیفه و سلطان محمد سلجوقی را سرزنش کرده و این را ننگی برای مسلمانان خواندند، نشان می‌دهد، شیعیان این دوره هم چونان سایر مسلمانان، نهاد خلافت را ضامن حفظ هویت مسلمانانی می‌دانستند، لذا خطاب به او اذعان داشتند؛ «آیا از خداوند بزرگ نمی‌ترسی که پادشاه روم بیش از تو نسبت به اسلام غیرت داشته و برای جهاد با دشمنان اسلام قاصد نزد تو بفرستد» (ابن اثیر، ۴۸۳/۱۰). همین باور، هیأت‌هایی از اشراف هاشمی حلب، صوفیه، تجار و فقهای شیعی و مانند اینها را روانه بغداد کرده بود (ابن قلانسی، ۲۷۷/۲).

فرمان جهاد کمترین تأثیر نهاد خلافت در تکوین جبهه متحد اسلامی است. همچنان

که صدور آن در پی اعتراضات مردم بغداد به رهبری زاغونی (متوفای ۵۲۷) و ابوالوفاء حنبلی (متوفای ۵۱۳)، در سال ۵۰۵ به اتحاد موقت نیروهای دمشق، موصل و شیزر منجر شد (ابن جوزی، *المنتظم*، ۱۲۰/۱۷؛ ابن خلدون، ۳۰۷/۴). اعزام پی در پی قاضی ابن شداد و شهرزوری در سال ۵۸۵ به بغداد و تقاضای صدور فرمان جهاد نقش مؤثر این نهاد را در دوره میانی هم تأیید می‌کند (ابن واصل، ۳۱۰/۲-۳۱۱). مشروعیت بخشی به مجاهدت فرماندهان ضد صلیبی از تأثیرات راهبردی آموزه اطاعت از ولی امر بود که پیوستن گروه‌های مذهبی مختلف به آنها را در پی داشت، به طوری که در سپاه ایوبی، هزاران داوطلب شیعی حضور داشتند (ذهبی، ۶۱۱/۱۲-۶۱۲). قاسم بن مهنا، از سادات حجاز، با همراهانش در بیشتر نبردها نظیر انطاکیه به سال ۵۸۳ همراه صلاح الدین بودند (ابن تغری بردی، *المنهل*، ۱۹۲/۴)؛ گفته شده هیچ پیروزی در این سال‌ها، جز با حضور او انجام نگرفت (ابن فوطی، ۲۸۱/۱-۲۸۲).

تأثیر کاربست آموزه وحدت اسلامی در جنگ‌های صلیبی

با توسعه حکومت صلیبی‌ها ضرورت اتحاد تحت رهبری واحد، خواه مجسم در خلافت، خواه تکوین یافته در همگرایی امارت‌ها احساس شد (پراور، ۳۴) که جز با تکیه بر اشتراکات و تمسک به آموزه‌های دینی نظیر وحدت اسلامی محقق نمی‌شد، اما تغییر ساختار به راحتی امکان‌پذیر نبود، لذا تأثیر آموزه مزبور در دو نمود کلی ظهور یافت؛ وحدتی که به صورت همگرایی مقطعی در میان برخی گروه‌ها و دولت‌های اسلامی شکل گرفت و دیگر، تشکیل جبهه متحد تحت لوای خلافت، به رهبری برخی فرماندهان مسلمان که به کامیابی‌هایی منتهی شد.

الف) پیدایی اتحادهای مقطعی

افکار عمومی که ناتوانی امراء در دفاع از بلاد اسلامی را محکوم می‌کرد و از برخورد مصالحه‌جویانه برخی از آنها با صلیبی‌ها، بیمناک شده بود، دریافت که پیشروی دشمن نه محصول بی‌کفایتی مسلمانان و مهارت‌های دشمن، بلکه دستامد رقابت میان آنها است (عبده قاسم، *صوره المقاتل*، ۱۰-۱۱). بنابراین مهمترین راهبرد رهایی از بند

تعصبات فرقه‌ای و باز تعریف خود و دیگری دانست. اهالی حلب که زمانی حاضر به واگذاری سرزمینشان به ترکان سنی سلجوقی نبودند (ابن قلانسی، ۱۸۲/۱-۱۸۳)، در سال ۵۱۱ از بیم صلیبیان، ایلغازی، حاکم ترک و سنی ماردین (حک. ۵۰۲-۵۱۶) را فرا خواندند (ابن خلدون، ۸۳/۴).

این تغییر نگرش در باز تعریف هویت جمعی بر مدار اسلامی موجب شد تا در سال ۵۰۵ اهالی صور از طُغتگین استمداد جویند، اما او در نامه‌ای، انگیزه‌اش را برای فرمانروای فاطمی صور، افضل بدرالجمالی (متوفای ۵۱۵)، شرح داد و از بروز تنش جلوگیری کرد (ابن تغری بردی، *النجوم الزاهره*، ۱۸۰/۵-۱۸۱). حاکم شیعی شیزر هم در سال ۵۰۸ شهرش را پایگاه برسقی که با منشور خلیفه مأمور مقابله با صلیبی‌ها بود، قرار داد (ابن اثیر، ۵۰۱/۱۰-۵۰۲).

ب) راهبرد تشکیل جبهه متحد اسلامی

۱- عمادالدین زنگی: تغییر ساختار سیاسی

سلطان محمود سلجوقی (حک. ۵۱۱-۵۲۵) در سال ۵۲۱ پس از روانه کردن عمادالدین زنگی به موصل با تأکید بر ضرورت دفاع از تمامیت اسلام، سایر امیران را به اتحاد با او فرا خواند (ابن واصل، ۳۱/۱)، ولی نتیجه نشان داد که این مهم تنها با تغییر ساختار قدرت میسر می‌شود که اتابک زنگی با استیلا بر جزیره و برخی شهرهای مهم شام و حذف دولت‌های کوچک که نوعی واگرایی را تجربه می‌کردند، بدان دست یافت (ابن واصل، ۳۴/۱-۴۶) و از جایگاه بغداد هم بهره برد. برای نمونه در سال ۵۳۱ آنگاه که حلب در محاصره فرنگیان قرار گرفت، اتابک زنگی با تأکید بر اینکه تصرف حلب، شام را در اختیار کافران قرار می‌دهد، غیرت دینی و فریاد «وا اسلاما و دین محمداه» بغدادیان را برانگیخت و دربار خلافت را ناگزیر از یاری عمادالدین ساخت (ابن اثیر، ۵۸/۱۱-۵۹).

عمادالدین با ائتلافی از امرای شام و جزیره، شکاف ساختار سیاسی واگرای منطقه را تا حد زیادی کاهش داد (ابن اثیر، ۹۴/۱۱). وی با همین راهبرد موفق به آزادسازی رها شد (همان، ۹۸/۱۱-۹۹) و الگوی عملیاتی باز پس‌گیری شهرهای اسلامی را با ایجاد ساختار سیاسی همگرا به اخلافش عرضه کرد. توصیف پیروزی‌های وی توسط شاعران

به عنوان ابزار تبلیغاتی کارآمد، توانست در جلب تأیید عمومی برای او مؤثر شود. سروده مسلم حموی، در توصیف فرار پادشاه صلیبی در سال ۵۳۲ از مقابل عمادالدین نمونه آن است (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۷۵/۵۸-۷۶). اهمیت ادبیات حماسی در متحد ساختن جبهه اسلامی به فرماندهی عمادالدین به قدری بود که شاعران شیعی مذهب نیز به حکم وظیفه شرعی به آن پیوستند. ابن منیر (متوفای ۵۴۸)، که در حلب به سلطان زنگی پیوست (ابن خلکان، ۱۵۶/۱) با وصف دلاوری‌های وی مقابل صلیبی‌ها بر وجوب همراهی با او تأکید کرد (ابن منیر، ۱۹۴-۱۹۸). اگرچه عمادالدین در مطیع ساختن امیران توفیق داشت (ابن قلانسی، ۴۴۷/۲)، اما پیشروی او تا شام، سایر امرا را محتاط کرد تا جایی که برخی چون بوریان و سلاجقه روم در برابرش ایستادند (نک. ابن عدیم، زبده الحلب، ۲۵۵/۲-۲۵۷؛ ابن بی‌بی، ۸۸)، لذا با اینکه عمادالدین پیشتاز مبارزه مؤتلفانه با صلیبی‌ها بود، تحقق جبهه متحد اسلامی را به اخلاش سپرد.

۲- نورالدین محمود زنگی: انسجام ساختار عقیدتی

با قتل عمادالدین، راهبرد وی نیز در معرض تباهی قرار گرفت. با مساعی همزمان بوریان، آل ارتق و صلیبیان برای احیای موقعیتشان (ابن قلانسی، ۴۵۰/۲-۴۵۱؛ ابن اثیر، ۱۱۴/۱-۱۱۵)، ضرورت مجدد حفظ انسجام اسلامی احساس شد. نورالدین نیز که در اندیشه حذف حکومت‌های منطقه بود، از همان آغاز در رویارویی اجتناب ناپذیری با آنها قرار گرفت، لذا ناگزیر از اتخاذ راهبرد دیگری، یعنی ائتلاف در عقیده شد. درحالی که ضرورت اتحاد مسلمانان برای از بین بردن بدعت‌هایی چون اسماعیلیه (ابن واصل، ۴۴/۲-۴۵)، چارچوب سیاسی نظام‌های سنی را شکل می‌داد، مسأله صلیبی‌ها با تکیه بر مذهب رسمی که جهاد در سایه رهبری شایسته را واجب می‌دانست (جصاص، ۱۵۷/۳، ۲۲۷؛ کلینی، ۲/۵-۲۳)، کارآمدتر نمود، لذا نورالدین ضمن پرهیز از رویارویی با امیران مسلمان، کوشید با طرح اتحاد اسلامی، همگان را نسبت به خطر صلیبی‌ها تحریک و ایده جهاد متحد را بسط دهد (کاهن، ۱۳۱).

توفیق نورالدین در عقب راندن صلیبیان در جنگ صلیبی دوم به سال ۵۴۳ (ابن اثیر،

۱۱/۱۲۹-۱۳۰)، حمایت نخبگان دینی را در پی داشت. اهتمام او بر تأسیس مدارس دینی بر این حمایت‌ها افزود (کردعلی، ۷۱/۶-۷۵). لذا آنها با انتشار جهادیه و ایراد خطبه‌هایی با مضمون جهاد و مشتمل بر آیات و روایات مرتبط، به یاری او شتافته و سلطان زنگی را با ترویج آموزه جهاد در استحکام ساختار عقیدتی دولتش، یاری کردند. به درخواست نورالدین، ابن عساکر احادیث فراوانی در باب جهاد گرد آورد و با تدوین رساله‌ای موسوم به *الأربعون فی الإجتهااد فی اقامه الجهااد* بر اهمیت جهاد در مقایسه با دیگر وظایف شرعی تأکید کرد (ابن عساکر، *الأربعون*، ۴۷). ابن جهبل شافعی (متوفای ۵۹۶) کتابی در فضیلت جهاد موسوم به *فی فضل الجهااد* فراهم آورد و در مدرسه نوریه حلب تدریس کرد (ابن فوطی، ۴/۲۷). برخی عالمان دینی نظیر ابن نجم سعدی (متوفای ۶۱۶)، به مرزها رفته و آموزه جهاد و فضیلت آن را برای جهادگران بیان کردند (ابن خلکان، ۳/۶۱).

نخبگان فرهنگی با اشعاری متضمن موضوعاتی چون توصیف صحنه‌های نبرد، مدح جنگاوران و سرداران مبارز و یا رثای آنها، رجزخوانی و هجو صلیبیان و کسانی که از میدان نبرد با آنها گریزان بودند، شکوه از اشغال سرزمین‌های اسلامی و فراق اجباری از وطن و امثال آن، آموزه دینی لزوم جهاد و اطاعت از حاکم مشروع در این مهم را یادآور شده و مردم را برای بسیج شدن گرد فرمانده‌ای مجاهد فرا می‌خواندند (هرفی، ۹۷-۱۴۲). اسامه بن منقذ در شعری، با بیان اسارت ژوسلین، حاکم صلیبی انطاکیه از مقابل سپاه نورالدین، با تمسخر اذعان داشته که اینان در فرار به قدری سریع بودند که گویی با تیرها مسابقه می‌دادند. وی با تأکید بر اینکه صلیبیان حتی توان فرار نداشتند، به مخاطبش قوت قلب داد و آنها را به امید فتح بیت المقدس، به همراهی نورالدین تحریض کرد (اسامه، *دیوان*، ۲۵۳-۲۵۴). در سایه تأیید علما و نخبگان فرهنگی، جوانان در سال ۵۴۹ شهر دمشق را به وی تسلیم کردند (ابن خلدون، ۴/۲۶۴). پیوستن نیروهای کرد، ترک و عرب شام و جزیره (کاهن، ۱۳۲)، کسب پشتیبانی دانشمندیه آناتولی (ابن بی‌بی، ۸۸) و همراهی نیروهای موصل در طرح اتحاد نورالدین، دستامد همین راهبرد بود که به تثبیت حکومتش در سراسر شام، جزیره و مصر انجامید (ابوشامه، *الروضتین*، ۱/۲۸۴، ۲/۱۲۴). شعر ابن منیر در مدح نورالدین که او را شعله‌ورکننده دین خاموش

شده خدا خوانده (ابوشامه، الروضتین، ۱۳۲/۱) و قصیده قیسرانی (متوفای ۵۴۸)، پس از شکست فرنگیان در یغری که نورالدین را تیغ برنده اسلام دانسته (ابن واصل، ۱۱۴/۱-۱۱۵) ذهنیت عمومی را نشان می‌دهد. نورالدین با ایزاری چون تلفیق دین و سیاست، دولتی نظامی- عقیدتی پی‌ریزی کرد که پادشاهی مجاهد و مشروع، در رأس آن بود و بنا بر آموزه رسمی سنت، همگان ناگزیر از تبعیت و یا دست کم اتحاد با او بودند (ابن واصل، ۲۲۱/۱-۲۲۳).

۳- صلاح الدین ایوبی: بهره‌مندی از بیشترین راهبردها

راهبرد نورالدین در افزودن وجهه شرعی به رژیم یکپارچه سیاسی، الگویی برای دولت‌های ضد صلیبی بعدی شد. آشفتگی اوضاع شام پس از وفات نورالدین و تقسیم قلمرو زنگیان به جبهه‌های معارض، زمینه تضعیف جبهه اسلامی را فراهم ساخت. صلاح الدین دانست که ضمن بهره‌مندی از پشتوانه خلافت، ناگزیر از کاربست توأم راهبردهای عمادالدین و نورالدین است. از این رو او ساختار سیاسی منطقه را به نفع حاکمیتش تغییر داد و همچنین تلفیق دین و سیاست را تداوم بخشید (Catherwood, 103).

صلاح الدین با تأکید بر لزوم حفظ وحدت کلمه و نتایج سوء تفرقه، تا سال ۵۷۲ توانست جز موصل، بر نیل تا فرات غلبه یابد (ابوشامه، الروضتین، ۲۲۳/۲-۲۲۴). تحقق آرمان صلاح الدین در ایجاد امت واحد نیازمند تثبیت ایدئولوژی سنی در شام و مصر بود که با تأسیس مدارس دینی موقوفه و تنظیم برنامه‌های آموزشی آن در پشتیبانی از عقاید اهل سنت، میسر شد (نعیمی، ۲۴۳/۱-۲۵۱). تأثیر پیشبرنده تأیید علمای دینی این دوره (ابن خلکان، ۱۵۸/۳-۱۶۳، ۴۹۷-۴۹۸، ۴/۲۴۰) در ایجاد صفوف متحد با صدور فتاوی‌ای جهاد و یا حتی مشارکت در جنگ‌ها غیرقابل انکار است (بواعنه، ۱۱۷-۱۶۸). قاضی فاضل بیسانی (متوفای ۵۹۶)، از رجال سیاسی فاطمیان، پس از انقراض این دولت، به صلاح الدین پیوست و در عسقلان ضمن شرکت در نبرد، احادیث فراوانی در تأکید بر جهاد خواند و مردم را به مقاومت دعوت کرد (ابن خلکان، ۱۶۱/۳-۱۶۲). قاضی ابن شداد هم پس از پیوستن به صلاح الدین، کتابی در موضوع جهاد نوشت

(همان، ۸۸/۷) تا شاید علاوه بر حضور فیزیکی خود در کنار سلطان ایوبی در نبردهایش، با تکیه بر قدرت قلمش در تحریک اندیشه جهاد عمومی نیز یاری‌اش کند (ابن خلکان، ۸۹/۷؛ ذهبی، ۱۳۶/۴۶). ابوالفرج ناصح الدین حنبلی (متوفای ۶۳۴) هم که از علمای شیراز بود، به شام عزیمت کرد و در معیت صلاح الدین قرار گرفت. وی با تألیف کتاب *الإنجاد فی الجهاد* در ترویج اندیشه جهاد گام برداشت و تا فتح بیت المقدس با صلاح الدین همراه بود (ابن عماد، ۲۸۸/۷-۲۸۹). محمد بن عبدالرحمن تجیبی (متوفای ۶۱۰) از علمای اندلسی نیز به شوق پیوستن به صلاح الدین به شرق آمد و با نگارش کتاب *الترغیب فی الجهاد* او را یاری کرد (ابن ابار، ۸۹/۴).

شعر نیز از ابزارهای تبلیغی کارآمد در اثر بخشی سیاست تلفیقی صلاح الدین بود که با پیوستن شاعران معتهد به وی نمود یافت. عمادالدین کاتب اصفهانی (متوفای ۵۹۷) با تعصبی که نسبت به صلیبی‌ها داشت، به صلاح الدین پیوست و در قصایدی پیروزی‌های او را فخر اسلام خواند (ابن واصل، ۳۰/۲). عمادالدین اقدام صلاح الدین را در فتح شهرهای شام پس از وفات نورالدین ستایش و او را به فتح قدس تشویق کرد (ابن واصل، ۳۰/۲). تشبیه بازپس‌گیری بیت المقدس در سال ۵۸۳ به فتح مکه در سال هشتم هجرت، تلاش شاعر در رنگ دینی بخشیدن به فتوحات صلاح الدین و نشان دادن او به عنوان نماینده خلیفه مسلمانان که وظیفه محافظت از عزت اسلام را برعهده دارد، نمایان می‌سازد (نک. ابوشامه، *الروضتین*، ۲۳۳/۳-۲۳۴). قصیده *جُند السَّماء* ابوعلی جوینی صوفی (متوفای ۵۸۶)، نقش اثرگذار شعر را در تحریک عواطف عمومی به نفع همراهی با صلاح الدین بیشتر نشان می‌دهد. وی فتح بیت المقدس را در زمره فتوح انبیاء خوانده که شاهان مقتدر فرنگی را چونان صیدی ناتوان، گرفتار کرد. او برخی سلاطین پیشین را نیز به سبب رها کردن بیت المقدس و برخی دیگر را به سبب بی‌اعتنایی به بازپس‌گیری آن سرزنش کرده است (نک. ابوشامه، *الروضتین*، ۲۳۸/۳-۲۴۰، ابن واصل، ۳۰/۲).

صلاح الدین با احداث خانقاه‌های موقوفه (نک. کردعلی، ۱۴۴/۶-۱۴۵)، بزرگان متصوفه مانند ابی عمر، شیخ فرقه صالحیه را نیز با خود همراه کرد و از احساس

تعهدشان به جهاد اسلامی و نفوذشان در میان توده مردم بهره برد (ابوشامه، تراجم رجال، ۱۰۹/۵-۱۱۰). بنابراین بخش اعظمی از خرده هویت‌های سیاسی، نژادی و مذهبی قلمرو درگیر جنگ، در هویت کلان‌تری به نام مسلمانی هضم شده و در قالب لشکریان صلاح الدین نمودار شد.

نتیجه

تشتت و آشفتگی جهان اسلام و بی‌توجهی به آموزه دینی وحدت اسلامی در دوره جنگ‌های صلیبی که با پوشش دین از سوی اروپای لاتین آغاز شده بود، مهمترین عامل شکست‌های اولیه مسلمانان، پیشروی صلیبیان و به درازا کشیدن این جنگ‌ها به مدت دو قرن بوده است. دستامد پژوهش نشان داد که موانعی چون فقدان انسجام سیاسی که در برهه‌هایی شدت یافته، تنوع هویتی قومی، نژادی، دینی و مذهبی منطقه درگیر جنگ و وجود برخی نیروهای شبه نظامی مستقل از دولت‌ها، از جمله عوامل وحدت ستیز بودند که در دوره نخست منجر به تصرف برخی شهرهای اسلامی توسط صلیبی‌ها و استقرار آنها در برخی بلاد اسلامی شد. همین تشتت در دوره پایانی دامنگیر مسلمانان شد و کامیابی‌هایی برای مهاجمان صلیبی به همراه داشت. با تلاش نخبگان دینی و ادبی جامعه در بازخوانی برخی آموزه‌های دینی مشترک نظیر خاتمیت پیامبر ﷺ و برتری دین اسلام بر سایر ادیان از جمله مسیحیت، تکفیر مسیحیان محارب و وجوب جهاد با آنها و لزوم اطاعت از ولی امر مسلمانان، مفهوم وحدت اسلامی احیاء شد. به این ترتیب عمادالدین زنگی با تغییر ساختار سیاسی، نورالدین محمود زنگی با تغییر ساختار دینی و مذهبی و صلاح الدین ایوبی با تلفیقی از راهبردهای پیشین موفق به ایجاد جبهه متحد اسلامی و بازپس‌گیری بخشی از بلاد متصرفه شدند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابار، محمد، الصلة مع التكملة و صلة الصلہ، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۹.
- ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۵م.
- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، داوری، ۱۳۸۵ش.
- ابن بی‌بی، الرغدی، أخبار سلاجقه روم، تصحیح جواد مشکور، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۰ش.
- ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره، وزاره الثقافه، ۱۳۹۲.
- _____، المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی، قاهره، الهیئه المصریه، ۱۹۸۴م.
- ابن جوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
- _____، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲.
- ابن حریری، احمد، الاعلام و التبیین فی خروج الفرنج الملاحین، دمشق، دارالملاح، ۱۹۸۱م.
- ابن حماد، محمد، تاریخ فاطمیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ش.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، دیوان المبتدأ و الخبر فی أيام العرب و البربر، ترجمه عبدالمحمد آبتی، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- ابن خلکان، احمد، وفيات الأعیان و أبناء أبناء الزمان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰.
- ابن درید، محمد، جمهره اللغه، بیروت، دارالعلم، ۱۹۸۸م.
- ابن رزیک، طلائع، دیوان اشعار، نجف الاشرف، النعمان، ۱۹۶۴م.
- ابن زهره، حمزه، غنیه النزوع إلى علمی الأصول الفروع، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۷.
- ابن شداد، بهاء‌الدین، النوادر السلطانیه و المحاسن الیوسفیه، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۴۱۵.
- ابن شداد، عزالدین، الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، دمشق، الدراسات العلمی، ۱۹۵۳م.
- ابن عدیم، عمر، زبده الحلب من تاریخ حلب، دمشق، دارالکتب العربی، ۱۴۲۵.
- _____، بغیه الطلب فی تاریخ حلب، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
- _____، الأربعون فی الحثّ علی الجهاد، بیروت، دارالخلفاء للکتاب الإسلامی، ۱۹۸۴م.
- ابن عطیه، جمیل، أبهی المداد فی شرح مؤتمر علماء بغداد، بیروت، الأعلمی، ۱۴۲۳.
- ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶.
- ابن فوطی، عبدالرزاق، مجمع الآداب فی معجم الألقاب، تهران، ۱۴۱۶.
- ابن فلانسی، حمزه، ذیل تاریخ دمشق، دمشق، دارحسان، ۱۴۰۳.
- ابن منیر طرابلسی، دیوان، بیروت، دارالجیل، بی‌تا.
- ابن واصل، جمال‌الدین، مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، قاهره، جامعه الاسکندریه، ۱۹۶۰م.
- ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸.
- ابوزهره، محمد، الوحده الاسلامیه، قاهره، دارالفکر العربی، بی‌تا.



- ابوشامه، عبدالرحمن، تراجم رجال القرنين السادس و السابع، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۲.
- _____، الروضتين في اخبار الدولتين، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۲.
- اسامه بن منقذ، الاعتبار، بيروت، المكتب الإسلامى، ۲۰۰۳م.
- _____، ديوان، بيروت، عالم الكتاب، ۱۹۸۳م.
- اشرفى، ليلا، برسى تاريخنگارى جنگهاى صليبي با تكيه بر منابع اسلامى (قرن ۶-۱۱/۹-۱۴م)، پايان نامه كارشناسى ارشد، استاد راهنما، عبدالله ناصرى طاهرى، استاد مشاور، اسماعيل حسن زاده، دانشگاه الزهراء، گروه تاريخ اسلام، دانشكده ادبيات و علوم انساني، ۱۳۸۹ش.
- انصارى قمى، حسن، «دين و دولت در دولت‌هاى زنگى و ايوبى»، كتاب ماه، ش ۱۰۴، خرداد ۱۳۸۵ش.
- بارتولد، واسيلى و استانلى لين پل، تاريخ دولت‌هاى اسلامى و خاندان‌هاى حكومتگر، ترجمه صادق سجادى و ديگران، تهران، نشر ايران، ۱۳۶۳ش.
- باسورث، كيلفورد ادموند، سلسله‌هاى اسلامى جديد: راهنماى گاهشمارى و تبارشناسى، ترجمه فريدون بدره‌اى، تهران، مركز بازشناسى اسلام و ايران، ۱۳۸۱ش.
- بخارى، محمدبن اسماعيل، صحيح البخارى، قاهره، إحياء كتب السنه، ۱۴۱۰.
- بستانى، فؤادافرام، فرهنگ ابجدى، ترجمه رضا مهيار، تهران، نشر اسلامى، ۱۳۷۵ش.
- بواعنة، لُوى، دورالعلماء المسلمين فى مقاومة الغزوالفرنجهى، اردن، دار اليازورى، ۲۰۰۶م.
- بوصيرى، شرف الدين، ديوان البوصيرى، قاهره، مكتبه المصطفى، ۱۹۹۵م.
- پاتاي، رافائل، «اسلام عاميانه»، ترجمه ابراهيم موسى پور، مقدمه‌اى بر پژوهش دين عاميانه، تهران، جوانه‌توس، ۱۳۸۹.
- پراور، ژوزه، جهان صليبي‌ها، ترجمه عبدالله ناصرى و معصومه شمس، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
- جصاص، احمد، احكام القرآن، بيروت، دارإحياء التراث العربى، ۱۴۰۵.
- حاكم نيشابورى، محمد، المستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالتأصيل، ۲۰۱۴م.
- حتّى، فليپ، تاريخ سوريه و لبنان و فلسطين، بيروت، دارالثقافه، ۱۹۵۷م.
- خمينى، روح الله، ولايت فقيه، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره)، ۱۳۷۳ش.
- ذهبى، محمدبن احمد، المستملح من كتاب التكملة، تونس، دارالغرب الاسلامى، ۱۴۲۹.
- رشيد رضا، محمد، الخلافة، قاهره، الظاهر للاعلام العربى، بى تا.
- رشيد، ناظم، المدائح النبويه فى أدب القرنين السادس و السابع للهجره، بغداد، دار آفاق عربيه، ۱۴۲۳.
- زمخشرى، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۴۰۷.
- زنجانى، عباسعلى و ديگران، دانشنامه فقه سياسى، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ش.
- الشنقيطى، محمد، أثر الحروب الصليبيه على علاقات السنه الشيعيه، بيروت، الشبكه العربيه بيروت، ۲۰۱۶م.
- صورى، ويليام، الحروب الصليبيه، قاهره، مؤسسة الأهرام، ۱۹۹۱م.
- طوسى، محمد، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.

- _____، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۰.
- عبده قاسم، قاسم، «صوره المقاتل الصلیبی فی المصادر العربیه»، قاهره، المجله التاریخیه المصریه، بی تا.
- _____، مبانی فکری و ماهیت جنگ‌های صلیبی، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و نرگس قندیل زاده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
- عظیمی حلبی، محمد، تاریخ حلب، دمشق، بی تا، ۱۹۸۴ م.
- علیمی، ابوالیمن، الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل، عمان، دنیس، ۱۴۲۰.
- عودی، ستار، تاریخ فشرده جنگهای صلیبی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۷ ش.
- غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶.
- _____، مجموعه رسائل الإمام الغزالی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶.
- _____، تحفه الملوک (ضمیمه کتاب علل و آثار جنگهای صلیبی)، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- فراهیدی، خلیل، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹.
- فروخ، عمر، تاریخ الأدب العربی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۲۰۰۶ م.
- کاهن، کلود، شرق و غرب در روزگار جنگهای صلیبی، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
- کردعلی، محمد، خطط الشام، بیروت، مکتبه النور، ۱۴۰۳.
- کلینی، محمد، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
- ماتریدی، محمد، تأویلات أهل السنه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، بی تا.
- مقریزی، احمد، المواعظ و الإعتبار بذكر الخطط و الآثار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- ناصری طاهری، عبدالله و دیگران، پژوهش‌های نوین جنگهای صلیبی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
- _____، تاریخ جامع جنگهای صلیبی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ ش.
- ناصری طاهری، عبدالله و لیلا اشرفی، «نگرش مذهبی مورخان مسلمان»، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۰، ۱۳۹۰ ش.
- ناصری طاهری، عبدالله، علل و آثار جنگهای صلیبی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- _____، نقش اسماعیلیان در جنگهای صلیبی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۷ ش.
- نسیم یوسف، جوزیف، الوحده و حركات اليقظه العربیه ابان العدوان الصلیبی، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۸۱ م.
- نعیمی دمشقی، عبد القادر، الدارس فی تاریخ المدارس، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- وطن دوست، رضا، وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- هرفی، محمد علی، شعر الجهاد فی الحروب الصلیبی، ۹، ریاض، دارالمعالم، ۱۹۷۹ م.
- Abel, A, "Dar al-Harb", *the EI2*, Brill, 1991.
- Catherwood, Christopher, *A Brief history of the middle East*, Newyork, Carrll and Graf, 2006.